

## مدل مفهومی «مودت» و «رحمت» در روابط همسران بر اساس منابع اسلامی

سعید هدایت‌شده\*<sup>۱</sup>، محمد تقی تیبیک<sup>۲</sup>

### چکیده

«مودت» و «رحمت» از مفاهیمی هستند که در منابع اسلامی به وجود آن‌ها در روابط همسران اشاره شده است. هدف پژوهش، تدوین مدل مفهومی «مودت» و «رحمت» در روابط همسران بر اساس منابع اسلامی است. به منظور دستیابی به مؤلفه‌های ساختاری، عوامل و آثار این دو مفهوم در منابع اسلامی از دانش معناشناسی زبانی و روش تحلیل محتوا و ابزارهای اجتهاد در متون دینی استفاده شد، و روایی محتوای یافته‌ها مورد بررسی کارشناسان قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که «مودت» و «رحمت» در متون دینی پیرامون روابط همسران به معنای لغوی استعمال شده و عباراتی که در متون دینی پیرامون این دو مفهوم وجود دارد غالباً به عوامل مؤثر و آثار و قلمرو این دو مفهوم پرداخته‌اند. بنابراین مدل مفهومی «مودت» در روابط همسران از دو مؤلفه ساختاری «محبت» و «تمنی»، و هجده عامل مؤثر و هجده اثر تشکیل شده، و مدل مفهومی «رحمت» از سه مؤلفه ساختاری «ادراک نیاز»، «رقت» و «احسان»، و پنج عامل مؤثر و نه اثر برخوردار است. نتیجه اینکه مؤلفه‌های ساختاری و رابطه آن‌ها با یکدیگر و ارتباط میان مودت و رحمت در مدل مفهومی تبیین شد، و از مقایسه برخی مفاهیم مبحث روابط همسران در دانش روان‌شناسی با «مودت» و «رحمت» به دست آمد که هر چند معادلی برای این دو مفهوم در دانش روان‌شناسی وجود ندارد که بتواند مؤلفه‌های این دو مفهوم را به شکل کامل توضیح دهد، اما برخی مفاهیم روان‌شناختی با مؤلفه‌های این دو مفهوم به نحوی مرتبطند.

واژه‌های کلیدی: مودت و رحمت در میان همسران، مدل مفهومی، ادراک نیاز، رقت، احسان

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول):

(hedayatshodeh@gmail.com)

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

### **Conceptual Model of Love and Kindness in Spouses based on Islamic Sources**

**Abstract:** love and kindness are religious concepts that are mentioned in Islamic sources in the relationship between spouses. The purpose of this research is to compile the conceptual model of "love" and "kindness" in the relationship between spouses based on Islamic sources. In order to obtain the structural components, factors and effects of these two concepts in Islamic sources, the knowledge of linguistic semantics and the method of content analysis and tools of Ijtihad in religious texts are used and the validity of the content of conceptual components is examined by experts. The findings of the research show that "love" and "kindness" are used in the literal sense in religious literature about relationships between spouses. So conceptual model of "love" in spouses' relationships consists of two structural components: "affection" and "expectation" and eighteen factors and eighteen effects, and the conceptual model of "kindness" consists of three structural components: "awareness of need", "compassion", "niceness" and five factors and nine effects is formed and other concepts around these two express their territory, functions, effective factors or orientations related. The conclusion is that the components and the relevance between themselves and between "love" and "kindness" were explained in the conceptual model and from the comparison of some concepts of the relationship between spouses in psychology, it was found that although there is no equivalent for these two concepts in psychology that can fully explain all their components but some psychological concepts are somehow related to the components of these two concepts.

**Keywords:** kindness, spousal relationships, conceptual models, islamic sources, love

## مقدمه

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماع است، اما مهم‌ترین نهاد اجتماعی به شمار می‌آید. این اهمیت به جهات مختلف، از جمله فراگیری جمعیتی، فراگیری زمانی، مرکزیت تربیت و رشد انسان‌ها، و پیوند خوردن جامعه به خانواده است (پسندیده، ۱۳۹۱). از طرفی خرده‌نظام زوجین پایه اصلی نظام خانواده است، به گونه‌ای که آشفتگی آن زمینه‌ای برای آشفتگی خانواده خواهد بود (گلدنبرگ، ۲۰۱۲). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد چگونگی روابط زوجین تعیین‌کننده رضایت زناشویی، سلامت روان، تعارض‌های زناشویی و صمیمیت زناشویی است (ثناگویی‌زاده، ۱۳۹۸).

به اعتقاد ما خداوند متعال از همه مخلوقات به شأن و جایگاه خانواده، اهداف تشکیل آن، و همچنین چگونگی حفظ، دوام، بهبود و کارآمدی خانواده و روابط میان اعضای آن آگاه‌تر است و فقط اوست که می‌تواند انسان را به اهداف مورد نظر برای تشکیل خانواده برساند. در چنین فضایی، کلام خداوند متعال در قرآن کریم پیرامون خرده‌نظام زوجین و چگونگی روابط آن‌ها اهمیت پیدا می‌کند و آیه شریفه «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم: ۲۱) می‌تواند چراغ راهی در تعاملات و روابط زوجین در نظام خانواده باشد. آیه شریفه در ابتدا به خلقت انسان در دنیا از دو جنس متفاوت و به شکل زوجیت اشاره کرده است، یعنی هر کدام از زوجین را هم‌لنگه و مکمل دیگری دانسته که هر دو از نفس انسانی به وجود آمدند و به شکل طبیعی به هم نیازمندند و با رسیدن به یکدیگر به آرامش می‌رسند (طوسی، بی‌تا؛ فخررازی، ۱۴۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق)، سپس در ادامه، «مودت» و «رحمت» را در روابط زوجین به عنوان نشانه الهی در چنین خلقتی مورد تأکید قرار می‌دهد. سدی و ابن عباس (به نقل از قرطبی، ۱۳۶۴) «مودت» را به «محبت»، و «رحمت» را به «شفقت» تفسیر می‌کنند، و علامه طباطبایی (۱۳۹۰ق) «مودت» را نوع خاصی از محبت می‌داند که آثار و تبعات ظاهری مانند الفت، مراوده و احسان به همراه دارد، و در توضیح رحمت می‌نویسد: «رحمت به معنای نوعی تأثیر نفسانی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید، و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام عمل برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۲۵۰). نویسندگان تفسیر نمونه (۱۳۸۰) «مودت»

را «خدمت متقابل به یکدیگر»، و «رحمت» را «یک‌جانبه و ایثارگرانه» توصیف کرده‌اند. پسندیده (۱۳۹۱) نیز کتاب خود با عنوان *رضایت زناشویی* را بر اساس این دو مفهوم بنا کرده و معتقد است مودت و رحمت محور اساسی و راهبرد اصلی در رضامندی و پایداری خانواده، و تعامل مثبت و سازنده عامل تحقق این راهبرد است.

نگاهی به آثار و پژوهش‌ها در این دو مفهوم به ما نشان می‌دهد که عمده نوشته‌ها ذیل آیه ۲۱ سوره روم بوده و نویسندگان پس از توضیح مختصری در ترجمه این دو واژه، به شرح «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» و تبیین فلسفه ازدواج پرداختند و سپس عوامل ایجاد مودت و رحمت یا موانع آن را مطرح کردند. بنابراین می‌توان گفت این عرصه خالی از مفهوم‌شناسی کامل و دقیق پیرامون مودت و رحمت، به عنوان مفاهیمی دینی-روان‌شناختی در روابط زوجین است، و تهیه و ترسیم مدل مفهومی مستند و متقنی که ابعاد و زوایای این دو مفهوم را در روابط زوجین برای ما روشن کند، احساس می‌شود. پژوهش حاضر می‌تواند مسیر سایر پژوهش‌های تکمیلی در این عرصه، مانند ساخت مقیاس، کشف فرایندها و تکنیک‌ها، و تهیه پروتکل آموزشی و درمانی و مشاوره‌ای را نیز هموار کند، زیرا به اعتقاد ما، دیدگاه اسلامی که مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است و برخاسته از آموزه‌های عمیق آیات و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، در خصوص روابط همسران توصیف‌ها، تجویزها و ارزش‌هایی مطرح می‌کند که در هر زمانی برای ارتقای روابط زوج‌ها مؤثر و مفید است (ثناگویی‌زاده، ۱۴۰۰).

در دانش روان‌شناسی، واژه عشق و دوست داشتن به مفاهیم «مودت» و «رحمت» نزدیک است، اما بیش از پانزده نظریه به توضیح و تفسیر مؤلفه‌های این مفهوم پرداخته‌اند و هر کدام از یک زاویه آن را توضیح داده‌اند، بنابراین ابتدا باید مؤلفه‌های «مودت» و «رحمت» را در منابع اسلامی روشن کرد تا بتوان گفت آیا پیشینه‌ای در دانش روان‌شناسی پیرامون این دو مفهوم وجود دارد یا خیر. به اعتقاد باکوم<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۶)، به نقل از خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۶) مفهوم «انتظارات زناشویی» به معنای باورها یا ملاک‌های زوجین در مورد چگونگی رابطه‌شان است که شامل پیش‌پنداشت‌های<sup>۲</sup> زوجین از این موارد می‌شود: روابط آن‌ها چگونه باید باشد؟ چه چیزی برای آن‌ها رضایت و پاداش به همراه دارد؟ از چه رفتارهایی باید اجتناب کنند؟ صرف وقت با یکدیگر چه مقدار و چگونه باید باشد؟ سهم شدن در اهداف و ارزش‌های مشابه و ارتباط بی‌پرده با یکدیگر چگونه است؟

1. Baucom  
2. preconceptions

به نظر می‌رسد این مفهوم نیز با «مودت» ارتباط دارد. در بررسی اولیه به نظر می‌رسد که مفاهیم «مهربانی» و «دلسوزی» نیز بی‌ارتباط با «رحمت» نیستند. به نظر پترسون و سلیگمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) «مهربانی» از توانمندی‌های ذیل فضیلت «انسانیت» است که در روابط مراقبتی با دیگران به شکل بین‌فردی آشکار می‌شود. مفاهیمی چون خود را مساوی با سایر انسان‌ها دانستن، ارزشمند دانستن دیگران، ترحم، مراقب و نیکی کردن به دیگران و خصوصاً افراد نیازمند بدون در نظر داشتن بازگشت منافع شخصی از این اقدام، می‌تواند این مفهوم را برای ما توضیح دهد، و مفاهیم «سخاوت» و «نیکی کردن» داخل در شبکه اصطلاحاتی است که مفهوم «مهربانی» دور خود جمع کرده است (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). به نظر شرلین جیمز<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، به نقل از لوپز، (۲۰۰۹) «دلسوزی» از احساس ارتباط با دیگران نشئت می‌گیرد و باعث می‌شود فرد بتواند رنج دیگران را با دقت و نگرانی مشاهده و احساس کند و به آن‌ها پاسخ دهد (به نقل از لوپز، ۲۰۰۹).

### روش پژوهش

پژوهش در مفاهیم روان‌شناسی دو مرحله کلی دارد: ۱) مرحله پیش‌عملیاتی که شامل مفهوم‌شناسی یا مفهوم‌سازی (انجام پژوهش کیفی و استخراج مؤلفه‌های مفهومی)، و سپس مشهودسازی (عملیاتی کردن مفهوم با کمی‌سازی و اندازه‌پذیر کردن آن از طریق ساخت مقیاس و مشخص کردن سازه<sup>۳</sup> است، و ۲) مرحله عملیاتی که به دنبال تدوین مداخله با مشخص کردن هدف، فرایندها و تکنیک‌های تغییر است (صادقی سرشت، ۱۳۹۸). پژوهش حاضر در گام اول از مرحله اول، یعنی مفهوم‌شناسی، به دنبال ایجاد سنگ بنای محکمی برای سایر پژوهش‌ها در این عرصه است، و آن را با رویکرد روان‌شناختی در دانش معناشناسی زبانی<sup>۴</sup> و با توجه به نظریه حوزه‌های معنایی<sup>۵</sup> و مبتنی بر اصل تحلیل مؤلفه‌ای<sup>۶</sup> پیگیری می‌کند. «معناشناسی زبانی» گونه‌ای از دانش معناشناسی است که به چگونگی کارکرد ذهن در کشف معنا از طریق خود زبان (نه دانشی خارج از آن مانند فلسفه و منطق) می‌پردازد، و از معانی واژه‌ها و جملات زبانی بحث می‌کند (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶).

1. Christopher Peterson & Martin E. P. Selgman
2. Sherlyn Jimenez
3. construct
4. language semantics
5. Semantic fields
6. componential analysis

نظریه «حوزه‌های معنایی» یکی از نظریه‌های مرتبط با دانش «معناشناسی زبانی» است که هدف آن رسیدن به درکی عمیق‌تر از واژه‌ها و چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر است (اولمن، ۱۹۷۲). اصل «تحلیل مؤلفه‌ای» در زبان‌شناسی به بررسی ارتباط بین واژه‌ها از طریق مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن می‌پردازد (صفوی، ۱۳۸۴) و استفاده از این روش می‌تواند در فهم معانی صفات و ویژگی‌های روان‌شناختی آن کاربرد داشته باشد. برخی مؤلفان از روش تحلیل محتوا در متون دینی به اجتهاد دینی هم تعبیر کرده‌اند (علی‌پور و حسنی، ۱۳۸۹)؛ از این رو سعی شده قواعد و ضوابط استنباط و اجتهاد از متون دینی در مبانی، ابزارها و چگونگی استظهار از ادله، رعایت و در این مسیر از کارشناسان خبره استفاده شود. تنظیم و تحلیل داده‌های کیفی که از طریق استخراج از اسناد و مدارک به دست آمده‌اند، مستلزم سه فعالیت عمده زیر است (سرمد و دیگران، ۱۳۸۰):

الف) تلخیص داده‌ها با جمع‌آوری داده‌ها و خلاصه کردن عبارات و زدودن اضافات؛

ب) عرضه داده‌ها از طریق نمودارها، جداول، شبکه‌ها و مانند این‌ها؛

ج) نتیجه‌گیری و تأیید با بررسی روایی محتواها.

بنابراین در ابتدا محتوای مرتبط با «مودت» و «رحمت» در آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) استخراج و به سه دسته مرتبط با روابط زوجین، روابط انسانی و غیرمرتبط تقسیم شد. سپس ادله‌ای که مؤلفه‌های ساختاری را بررسی می‌کردند از ادله‌ای که به عوامل و آثار و احکام می‌پرداختند تفکیک شد، و در نهایت دلالت هر یک از متون دینی به شکل مستقل مورد بررسی قرار گرفت. جهت فهم بهتر متون دینی، دیدگاه اندیشمندان اسلامی مورد بررسی، و عبارات لغویون به شکل تخصصی و اجتهادی مورد مذاقه قرار گرفت. سپس مؤلفه‌های ساختاری و سایر مفاهیم مرتبط دسته‌بندی و مستندات مربوط به هر مؤلفه به همراه تشکیل خانواده متون به صورت خلاصه در قالب جدولی تنظیم گردید. ارتباط میان مؤلفه‌ها با توجه به مستندات استخراج و در قالب مدل نمودار ترسیم شد. در نهایت برداشت‌های پژوهشگر به همراه تمام مستندات در قالب پرسشنامه استاندارد شده به ۱۴ نفر از کارشناسان متخصص ارائه شد که ویژگی‌های آن‌ها در جدول ۱ قابل مشاهده است. و روایی یافته‌های پژوهش با «شاخص کمی روایی محتوا»<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گرفت. به گفته لین<sup>۲</sup> (۱۹۸۶)، به نقل از پولیت و بک، (۲۰۰۶) نمره لازم برای تمام مؤلفه‌ها نباید کمتر از ۰/۷۸ باشد که در غیر این صورت مؤلفه مورد نظر روایی لازم برای

1. Content validity index (CVI)

2. Lin

آن مفهوم را ندارد و باید حذف یا بازنگری شود. در پایان پس از تأیید روایی یافته‌ها، مدل مفهومی و ارتباط بین دو مفهوم تبیین شد، و امکان مقایسه این دو مفهوم با مفاهیم موجود در دانش روان‌شناسی فراهم آمد.

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه ارزیاب در بررسی روایی محتوای پژوهش

نوع تحصیلات	عنوان	تعداد
تحصیلات حوزوی	اتمام درس خارج	۶
	سابقه حداقل ۲ سال درس خارج	۸
تحصیلات دانشگاهی	دکتری	۵
	دانشجوی دکتری	۳
	کارشناسی ارشد	۶
رتبه علمی	استادیار	۳
	دانشیار	۱

یافته‌های پژوهش در مؤلفه‌های ساختاری مفهوم «مودت» در روابط همسران واژه «وَدَّ» و مشتقات آن به شکل مصدری، فعل ماضی، فعل مضارع، باب مفاعله و صفت مشبیه بیست و هشت مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. همچنین تعابیر «مَوَدَّة»، «وَدُود»، «وُدَّ» و سایر مشتقات آن در روایات بسیاری آمده است. از مجموع ادله، تنها آیه ۲۱ سوره روم و چهار روایت<sup>۱</sup> این واژه را در روابط زوجین بیان کرده است که از منظر کارشناسان در آن‌ها به مؤلفه‌های ساختاری این مفهوم اشاره‌ای نشده است، اما از بررسی سایر ادله می‌توان استفاده کرد که «مودت» تجربه‌ای است که در درون احساس می‌شود. چنان که حضرت صادق (علیه‌السلام) در پاسخ به سؤال شخصی که از علائم اصلی مودت سؤال کرده بود، فرمودند «قلب را امتحان کن، پس اگر تو او را در قلبت دوست داشتی، او نیز تو را

۱. قال الصادق (علیه‌السلام): فَأَمْرَأَةٌ وُلِدَتْ وُدُّو، تُعِينُ زَوْجَهَا عَلَى دَهْرِهِ لِدُنْيَاهُ...؛ وصايا القمان لابنه: ... الْوُدُّو تَعُوذُ بِخَيْرِ عَلَى زَوْجِهَا؛ قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَصَدَّقَتْ عَلَى زَوْجِهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهَا مَكَانَ كُلِّ دِينَارٍ عَتَقَ رَقَبَةً قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ بِالْهَيْبَةِ بَعْدَ الدُّخُولِ فَقَالَ (صلى الله عليه و آله) إِنَّمَا ذَلِكَ مِنْ مَوَدَّةِ الْأَلْفَةِ؛ إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ (صلى الله عليه و آله) فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَقَدْ عَجِبْتُ مِنْ أَمْرٍ وَ إِنَّهُ لِعَجَبٌ، إِنَّ الرَّجُلَ لِيَتْرُوجَ الْمَرْأَةَ وَ مَا رَأَاهَا وَ مَا رَأَتْهُ قَطُّ حَتَّى إِذَا ابْتَنَى بِهَا اصْطَحَبَا وَ مَا شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِمَا مِنَ الْآخِرِ. فَقَالَ (صلى الله عليه و آله): وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً.

دوست دارد»<sup>۱</sup> (برقی، ۱۳۷۱، ۲۶۶/۱). برخی ادله نیز به بعد شناختی این مفهوم اشاره دارند و «مودت» را بر اساس تقدیر و تصور فاعل مودت از فضایل متعلق آن دانستند (ابن بابویه، ۱۳۷۶).<sup>۲</sup> از بررسی مجموع ادله‌ای که مودت و مشتقات آن به کار رفته، این طور به دست می‌آید که متون دینی معنای لغوی را مفروض دانسته و به عوامل مؤثر، آثار و احکام این مفهوم پرداختند؛ از این رو نمی‌توان مؤلفه‌های ساختاری «مودت» را از منظر متون دینی، مستقل از معنای لغوی آن دانست، پس بررسی دقیق و تخصصی لغت‌شناسی می‌تواند ما را به مراد خداوند متعال از حقیقت این مفهوم در روابط همسران آگاه کند.

در بررسی عبارات لغویون، فراهیدی (۱۴۰۹) «ودّ» را به «أمنیّه» تعریف کرده<sup>۳</sup>، و ابن فارس (۱۴۰۴)<sup>۴</sup>، راغب اصفهانی (۱۴۱۲)<sup>۵</sup>، فیومی (۱۴۱۴)<sup>۶</sup>، ازهری (۱۴۲۱)<sup>۷</sup>، جوهری (۱۳۷۶)<sup>۸</sup>، ابن منظور (۱۴۱۴)<sup>۹</sup> و طریحی (۱۳۷۵)<sup>۱۰</sup> این واژه را به دو معنای «محبت» و «تمنی» تعریف کرده‌اند. ابوهلال عسکری (۱۴۰۰) «ودّ» را به «حبّ» تعریف کرده و آن را در اموری می‌داند که بالطبع مورد تمایل انسان است.<sup>۱۱</sup> ابن سیده (۱۴۲۱) نیز «ودّ» را به «حبّ» تعریف کرده و آن را در اموری می‌داند که در آن خوبی و خیریتی وجود

۱. صالح بن الحکم قال: سمعت رجلاً يسأل أبا عبد الله (عليه السلام) عن الرجل يقول إني أودك فكيف أعلم أنه يودني؟ قال امتحن قلبك فإن كنت تودّه فإنه يودك.

۲. قال الامام الرضا (عليه السلام): فرض اللّه عزّ وجلّ مودة قرآنيّه (الرسول) على أمته وأمره أن يجعل أجره فيهم ليودّه في قرآنيّه بمعرفة فضلهم الذي أوجب اللّه عزّ وجلّ لهم فإن المودة إنما تكون على قدر الفضل.

۳. الود مصدر وودت، و هو يود من الأمانة.

۴. كلمة تدل على محبة. وودته: أحبته ... و هو وديده فلان أي يحبه، ... و وودت أن ذاك كان إذا تمنّيته.

۵. الود: محبة الشيء و تمنى كونه.

۶. وودته: (أودّه) ... أحبته ... و (وددت) لو كان كذا (أودّ) أيضاً (وداً) و (ودادة) بالفتح تمنّيته.

۷. و يقال: في الحبّ: الود و الود و المودة و الموددة و أشد ... و أشد في التمني: وودت و دادة لو أن خطي من الخللان أن لا يصرموني.

۸. تقول: وودت لو فعل ذاك، و وودت لو أنك تفعل ذاك ... أي تمنّيت. و وودت الرجل أودّه و داً، إذا أحبته.

۹. الود الحبّ ... و وودت الشيء أودّ، و هو من الأمانة ... يود أحدهم لو يعمر أي يتمنى.

۱۰. و وودت الرجل أودّ: إذا أحبته ... و تودّد إليه: تحبب إليه. و وودت لو أنك تفعل كذا: أي تمنيت.

۱۱. أن الحبّ يكون فيما يوجه ميل الطباع و الحكمة جميعاً، و الود من جهة ميل الطباع فقط ألا ترى أنك تقول أحب فلاناً و أوده، و تقول أحب الصلاة و لاتقول أود الصلاة و تقول أود أن ذاك كان لي اذا تمنيت و دادة. ایشان در تفاوت میان شهوت و محبت می‌نویسد: «و الشهوة تتعلق بالملاذ فقط و المحبة تتعلق بالملاذ و غيرها».

دارد.<sup>۱</sup> از مجموع عبارات لغویون استفاده می‌شود که واژه «مودت» مرکب از دو معنای «محبت» و «تمنی» است. راغب اصفهانی (۱۴۱۲) نیز موضوع‌له این واژه را جامع بین این دو معنا دانسته و آیه شریفه مورد بحث (روم: ۲۱) را مصداق این معنا می‌داند و استعمال این واژه در هر یک از این معانی را مجازی می‌داند.<sup>۲</sup> پژوهش حاضر برای رسیدن به جمع‌بندی درست و صحیح از مؤلفه‌ها، هر دو معنای «محبت» و «تمنی» را به مانند واژه مودت مورد بررسی قرار می‌دهد که توضیح آن به شرح زیر است.

در بررسی واژه «محبت»، ابن فارس (۱۴۰۴) معنای اصلی ریشه این واژه را «لزوم (چسبیدن) و ثبات (پایداری)» دانسته و استعمالات این واژگان را در کلام قبایل و اشعار عرب به معنای «دل نکلدن، و دل گیر کردن»، شاهد بر مدعای خود می‌داند. راغب اصفهانی (۱۴۱۲) «محبّه» را «اراده (تمایل قلبی) به چیزی می‌داند که خیر دانسته یا پنداشته شده است» و آن را بر سه قسم محبت لذت، محبت نفس و محبت فضل تقسیم می‌کند و معتقد است که «حَبَّيْتُ فُلَانًا» را این گونه گفته‌اند، چون معنی آن در اصل این است که در مرکز جان و دلش جای گرفتم و قلب و دلش را شیفته خود کردم. معنای «أَحْبَبْتُ فُلَانًا» یعنی دلم را جای محبتش قرار دادم. ایشان همچنین «محبت» و «بغض» را مخالف یکدیگر دانسته و در توضیح آن بغض را یک صفت نفسانی و به معنای دوری کردن نفس از چیزی می‌داند که از آن دوری و بی‌میلی می‌شود؛ بر خلاف محبت که به معنای کشش و تمایل نفس به چیزی است که به آن راغب می‌شود.<sup>۳</sup> ابوهلال عسکری (۱۴۰۰) در توضیح عبارت «أَحْبَبْتُ زَيْدًا» محبت را در جایی می‌داند که علاوه بر خود شیء، کار خیری را هم اراده کرده باشید، مثلاً علاوه بر زید، اکرام و نفع‌رسانی به زید را هم اراده کرده باشید، همچنین این مطلب را می‌رساند که هیچ اراده سوء نسبت به زید ندارد. ابوهلال «محبت» را از قبیل اراده و غیر از «شهوَت» می‌داند. از مجموع عبارات لغویون پیرامون واژه «محبت» این گونه

۱. الْوُدُّ: الْحُبُّ يَكُونُ فِي جَمِيعِ مَدَاخِلِ الْخَيْرِ.

۲. الْوُدُّ: مَحَبَّةُ الشَّيْءِ وَ تَمَنِّي كُونَهُ، وَ يَسْتَعْمَلُ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْمَعْنِيَيْنِ عَلَيَّ أَنْ التَّمَنِّيَ يَتَضَمَّنُ مَعْنَى الْوُدِّ، لِأَنَّ التَّمَنِّيَ هُوَ تَشَهُيُّ حَصُولِ مَا تَوَدُّهُ، وَقَوْلُهُ تَعَالَى: جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً (روم: ۲۱) ... فإشارة إلى ما أوقع بينهم من الألفة المذكورة...، وَ فِي الْمَوَدَّةِ الَّتِي تَقْتَضِي الْمَحَبَّةَ الْمَجْرَدَةَ فِي قَوْلِهِ: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الِأَلَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (الشورى: ۲۳) ...، وَ مِنَ الْمَوَدَّةِ الَّتِي تَقْتَضِي مَعْنَى التَّمَنِّي: وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَ (آل عمران: ۶۹).

۳. فَإِنَّ الْحُبَّ انْجَذَابَ النَّفْسِ إِلَى الشَّيْءِ، الَّذِي تَرْتَجِبُ فِيهِ.

استفاده می‌شود که محبت نوعی «علاقه قلبی و دلبستگی» نسبت به چیزی است که خوب و خیر دانسته می‌شود و آثاری را به مانند نفع‌رسانی و اکرام محبوب به دنبال دارد.

در بررسی واژه «تمنی»، ابن فارس (۱۴۰۴) معنای اصلی این واژه را «در نظر گرفتن چیزی و جاری شدن قضاء بر تحقق آن» می‌داند<sup>۱</sup> و استعمالاتی برای آن بیان می‌کند که حاکی از وجود چنین معنایی است، مثلاً مایع نطفه را «مَنی» نام‌گذاری کردند چون خلقت آینده آن‌ها در آن مایع انتظار می‌رود و قضاء الهی بر آن جاری می‌شود؛ یا مرگ را به جهت آنکه برای انسان در هر حالی مَقْدَر است «مَنیه» می‌نامند. راغب اصفهانی (۱۴۱۲) «تمنی» را «در نظر گرفتن چیزی در نفس و تصور آن» می‌داند<sup>۲</sup> و معتقد است آرزو کردن را «تمنی»، و آرزوهای انسان را «مَنی» و «أَمْنِیَّة» نامیده‌اند، چون آرزو کردن نوعی در نظر داشتن تصویری در نفس و درخواست تحقق آن است، هر چند این آرزوها از روی تخمین و ظن یا از روی مشاهده و بناء بر اصل باشد. او همچنین «تسهی» به معنای خواستن را از مؤلفه‌های این مفهوم می‌داند.<sup>۳</sup> علامه مصطفوی (۱۳۶۸) معنای اصلی تمنی را «خواهش و طلب نفس به حاصل شدن چیزی همراه با تقدیر و در نظر گرفتن آن» می‌داند و معنای «مطلق تقدیر» را از معانی مجازی این واژه برمی‌شمارد. بنابراین از مجموع عبارات لغویون پیرامون واژه «تمنی» این گونه استفاده می‌شود که این واژه دارای دو مؤلفه «تصور» است، به معنای (در نظر داشتن امر خوب)، و «تسهی» به معنای (خواستن آن امر مطلوب) که در مجموع معادل واژه‌های «انتظار امر مطلوبی را داشتن» می‌باشد، به این بیان که اگر شخصی امور خوبی را در چیزی تصور کند و آن شیء را بخواهد به این معناست که گویا منتظر بودن آن است.

از بررسی عبارات لغویون در واژگان «مودت»، «محبت» و «تمنی» این طور به دست می‌آید که «مودت» یعنی «محبت قلبی و تمنی (انتظار بودن امر مطلوب) نسبت به چیزی که برای شخص مورد تمایل و رغبت است»؛ با این توضیح که شخص در مواجهه با چیزی که برای او به شکل طبیعی خواستنی و مورد تمایل است، تصورات خوبی به صورت یقینی یا احتمالی در نظر می‌گیرد، و آن را می‌خواهد یعنی منتظر بودن آن شیء و خوبی‌های اوست، و نسبت به آن شیء محبت قلبی دارد، یعنی به آن دلبستگی دارد و نمی‌خواهد از آن دل بکند و جدا شود.

۱. تقدیر شیء و نفاذ القضاء به.

۲. تقدیر شیء فی النفس و تصویره فیها.

۳. التمنی هو تسهی حصول ما تَوَدُّهُ.

بنابراین می‌توانیم بگوییم مدل مفهومی «مودت» در روابط همسران در منابع اسلامی از دو مؤلفه ساختاری «محبت قلبی» و «تمنی» تشکیل شده که روایی آن بر اساس ارزیابی کارشناسان بالاتر از ۰/۸۵ و میانگین شاخص‌های مؤلفه‌های این مفهوم ۰/۹۲ است که این مقادیر بالاتر از ۰/۷۸ می‌باشد؛ در نتیجه می‌توان گفت استخراج و استنباط مؤلفه‌های ساختاری و موضوع مفهوم «مودت» بر اساس داوری متخصصان معتبر بوده است. نتیجه ارزیابی در جدول ۲ قابل مشاهده است.

### یافته‌های پژوهش در عوامل مؤثر و آثار مفهوم «مودت»

از بررسی متون دینی استفاده می‌شود که ایمان به خداوند متعال و عمل صالح (مریم: ۹۶)<sup>۱</sup>، حسن الخلق (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰؛ کلینی، ۱۴۰۷)<sup>۲</sup>، نصیحت (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰)<sup>۳</sup>، خوشرویی و صدا کردن با نام‌های نیکو و جا باز کردن در مجالس (کلینی، ۱۴۰۷)<sup>۴</sup>، سلامت صدور از آفات قلبی (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۱)<sup>۵</sup>، رابطه جنسی در ازدواج شرعی (ثعلبی، ۱۴۲۲)<sup>۶</sup>، بخشیدن مهریه (مجلسی، ۱۴۰۳)<sup>۷</sup>، مجادله نکردن و صحبت کردن با زبان و فهم طرف مقابل (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶)<sup>۸</sup>، شوخی نکردن، فخرفروشی

۱. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا.

۲. قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): حُسْنُ الْخُلُقِ بُورُثُ الْمَحَبَّةِ وَ يُؤَكِّدُ الْمَوَدَّةَ؛ قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): حُسْنُ الْخُلُقِ مَجْلِبَةٌ لِلْمَوَدَّةِ.

۳. قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): النَّصِيحَةُ تُثْمِرُ الْوُدَّ. وَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَا أَخْلَصَ الْمَوَدَّةَ مِنْ لَمَى نَصَحَ.

۴. قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ثَلَاثُ بَصَائِفٍ وَدَّ الْمَرْءُ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ يَلْقَاهُ بِالْبِشْرِ إِذَا لَقِيَهُ، وَ يُوَسِّعُ لَهُ فِي الْمَجْلِسِ إِذَا جَلَسَ إِلَيْهِ، وَ يَدْعُوهُ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْهِ.

۵. قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَا تَطْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةٍ صُدُّورِهِمْ.

۶. أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَقَدْ عَجِبْتُ مِنْ أَمْرٍ وَإِنَّهُ لَعَجَبٌ، إِنَّ الرَّجُلَ لِيَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ وَ مَا رَأَاهَا وَ مَا رَأَتْهُ قَطُّ حَتَّى إِذَا ابْتَنَى بِهَا اصْطَحَبَا وَ مَا شَاءَ أَحَبُّ إِلَيْهِمَا مِنَ الْآخِرِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ): وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً.

۷. قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَصَدَّقَتْ عَلَى زَوْجِهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهَا مَكَانَ كُلِّ دِينَارٍ عَتَقَ رَقَبَةً قَبْلَ مَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ بِالْهَبَةِ بَعْدَ الدُّخُولِ فَقَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِنَّمَا ذَلِكَ مِنْ مَوَدَّةِ الْأَلْفَةِ.

۸. قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اسْتَجَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ وَ إِلَيْنَا بِأَنْ يُظْهِرَ لَهُمْ مَا يَعْرِفُونَ وَ يَكْفِ عَنْهُمْ مَا يُنْكِرُونَ.

و قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ.

نکردن، خصومت نورزیدن و اسرار محرمانه را نگفتن (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۱)<sup>۱</sup>، احسان (محمدری شهری، ۱۳۷۶)<sup>۲</sup>، هدیه دادن (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰)<sup>۳</sup> و ازدواج شرعی (طبری، ۱۴۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲)<sup>۴</sup> از عوامل مؤثر بر مودت است. همچنین ظلم نکردن (مائده: ۸۹؛ کلینی، ۱۴۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳)<sup>۵</sup>، ایصال نفع و خیر (کلینی، ۱۴۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳)<sup>۶</sup>، سکونت و آرامش (روم: ۲۱)، قرابت و نزدیکی (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳)<sup>۷</sup>، اظهار محبت زبانی (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰) (ق)<sup>۸</sup>، مواسات در فراخ و سختی (همان)<sup>۹</sup>، مودت متقابل محبوب به شخص دل بسته (برقی، ۱۳۷۱)<sup>۱۰</sup>، الفت (مجلسی، ۱۴۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰)<sup>۱۱</sup>، خوردن غذای محبوب (کلینی، ۱۴۰۷)<sup>۱۲</sup>، همراهی و همنشینی، شراکت در مال،

۱. قال الصادق (عليه السلام): إِنَّ أَرَدْتَ أَنْ يُصْفُوَ لَكَ وَدُّ أَخِيكَ فَلَا تُمَارِحْهُ وَ لَا تُمَارِئَهُ وَ لَا تُبَاهِيَهُ وَ لَا تُشَارِئَهُ وَ لَا تُطْلِعَ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَا لَوْ اطَّلَعَ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يُضْرَكَ فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدِيكُونَ عَدُوُّكَ يَوْمًا.
۲. قال عليُّ (عليه السلام): سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْإِحْسَانُ.
۳. قال عليُّ (عليه السلام): الْهَدِيَّةُ تُجَلِبُ الْمَحَبَّةَ.
۴. برداشت مفسرین از آیه ۲۱ سوره روم، قال الطبري: جعل بينكم بالمصاهرة و الختونة مودة تتوادون بها، و تتواصلون من أجلها... و قال الطبرسي و الشبر و الزمخشري: وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ التَّوَادُّ وَ التَّرَاحِمَ بَعْضَةَ الزَّوْجِ، بعد أن لم تكن بينكم سابقة معرفة، و لالقاء، و لاسبب يوجب التعاطف من قرابة أو رحم.
۵. لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ ... وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى؛ قال الصادق (عليه السلام): الْمَوَدَّةُ وَ ضِدُّهَا الْعَدَاوَةُ؛ قال علي (عليه السلام): وَ اللَّهُ يَقُولُ قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى فَمَنْ ظَلَمْنَا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.
۶. قال الصادق (عليه السلام): امْرَأَةٌ وَلَوْ دُودٌ وَ دَوْدٌ، تُعِينُ زَوْجَهَا عَلَى ذَهْرِهِ لِذُنْيَاهُ وَ آخِرَتِهِ؛ وصايا لقمان الحكيم لابنه: ... الْوُدُّ وَ تَعُوذُ بِخَيْرٍ عَلَى زَوْجِهَا.
۷. قال علي (عليه السلام): وَ كُلُّ قَرَابَةٍ يَخْتَانُ إِلَى مَوَدَّةٍ؛ و قال (ع): مَوَدَّةُ الْأَبَاءِ قَرَابَةُ بَيْنِ الْأَبْنَاءِ وَ الْقَرَابَةُ إِلَى الْمَوَدَّةِ أَحْوَجُ مِنَ الْمَوَدَّةِ إِلَى الْقَرَابَةِ.
۸. قال علي (عليه السلام): إِنَّ الْمَوَدَّةَ يُعْبَرُ عَنْهَا اللِّسَانُ، و عن المحبة العينان.
۹. قال علي (عليه السلام): أَصْدَقُ الْأَخْوَانِ مَوَدَّةٌ أَفْضَلُهُمْ لِأَخْوَانِهِ فِي السَّرَّاءِ وَ فِي الضَّرَّاءِ مُوَسَّاتَةٌ.
۱۰. قال الصادق (عليه السلام): ائْتَجَنُ قَلْبِكَ فَإِنْ كُنْتَ تَوَدُّهُ فَإِنَّهُ يُوَدُّكَ.
۱۱. قال النبي (صلى الله عليه و آله): مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَصَدَّقَتْ عَلَى زَوْجِهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهَا مَكَانَ كُلِّ دِينَارٍ عَتَقَ رَقَبَةً قَبْلَ يَأْ رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ بِالْهَيْبَةِ بَعْدَ الدُّخُولِ فَقَالَ (صلى الله عليه و آله): إِنَّمَا ذَلِكَ مِنْ مَوَدَّةِ الْأَلْفَةِ.
- علامه طباطبایی: «وَدَّ نَوْعٌ خَاصٌّ مِنْ مَحَبَّتِ اسْتِ، وَ هِمَانِ حَبِي اسْتِ كِه آثَارِ وَ تَبَعَاتِ ظَاهِرِي مَانند الفت، مراوده و احسان به همراه دارد».
۱۲. قال الصادق (عليه السلام): أَمَا مَا عَلِمْتَ أَنَّهُ تُعْرِفُ مَوَدَّةَ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ بِأَكْلِهِ مِنْ طَعَامِهِ.

محرم اسرار بودن، اعانه (همان)<sup>۱</sup>، رضایت‌مندی، محبت به فرزندان همسر که هر چند از او نباشد، جمع کردن امور مختلف زندگی توسط زن، اصلاح در سبک زندگی خود و خانواده و مال و فرزندان، و عفاف (مجلسی، ۱۴۰۳)<sup>۲</sup> از آثار و کارکردها و نشانه‌های این مفهوم است. روایی یافته‌های فوق به تأیید کارشناسان رسیده و فقط مفاهیم «اطاعت» و «به‌سختی نینداختن همسر» از منظر کارشناسان با توجه به مستندات ارائه‌شده به عنوان آثار رحمت، از روایی لازم برخوردار نیستند. نتیجه ارزیابی در جدول ۲ قابل مشاهده است.

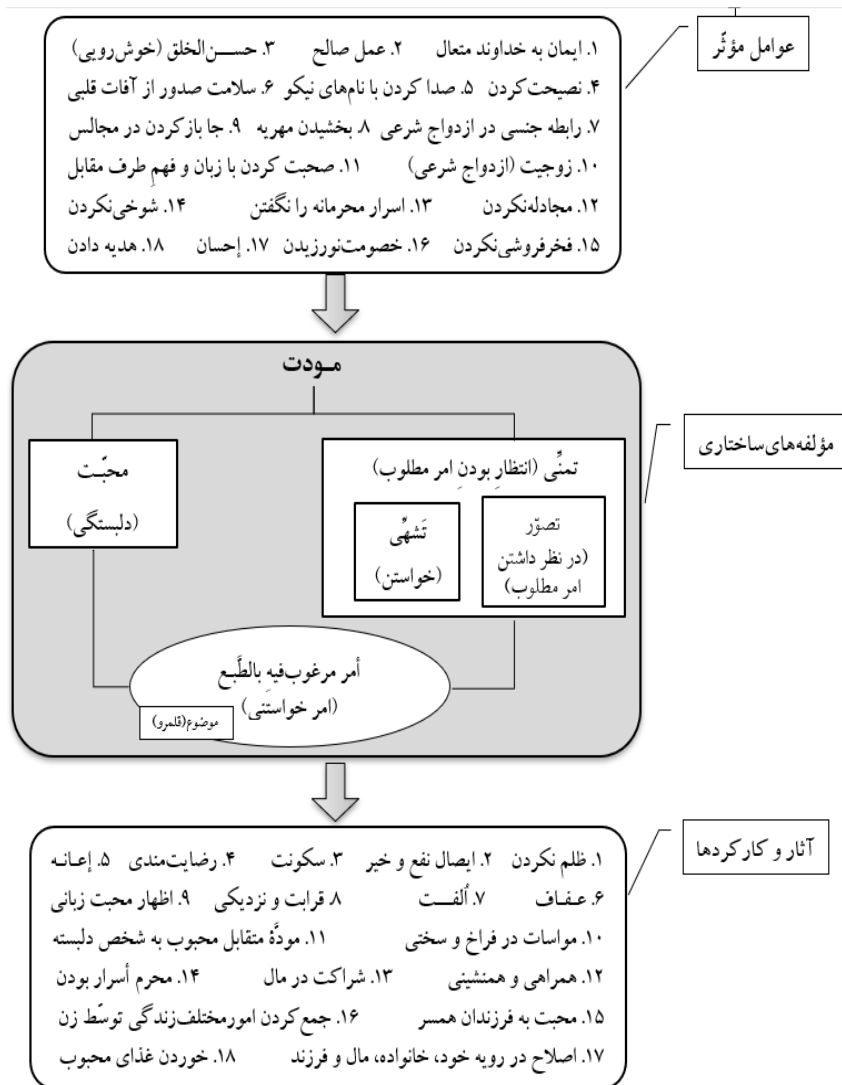
- 
۱. قال الصادق (عليه السلام): انظر أين تضع نفسك، و من تشرکه في مالك، و تطلع على دينك و سرک؟... هن ثلاث: فامرأة و لود و دود، تعين زوجها على دهره لدنياه و آخرته، و لاتعين الدهر عليه.
  ۲. بعض وصايا لقمان الحكيم لابنه ... يا بني النساء اربعة نبتان صالحتان ... الودود الودود تعود بخير على زوجها هي كالأم الرحيم تعطف على كبيرهم و ترحم صغيرهم و تحب و لود زوجها و إن كانوا من غيرها جامعة الشمل (جمع کننده امور زندگی) مرضية البعل مصلحة في النفس و الأهل و المال و الولد ... إن شهد زوجها أعاتته و إن غاب عنها حفظته.

جدول ۲- نظر متخصصان در میزان مطابقت هر یک از مفاهیم با مستندات در مفهوم «مودت»

عنوان	مفهوم	CVI	عنوان	مفهوم	CVI
مولفه‌های ساختاری	محبت	۱	موضوع (قلمرو)	امر مرغوب‌فیه بالطبع	۰.۷۹
	تمنی	۰.۸۵	آثار و کارکردها	ایصال نفع و خیر	۱
عوامل مؤثر	ایمان	۰.۸۵		ظلم نکردن	۱
	عمل صالح	۰.۸۵		سکونت	۰.۹۳
	سلامت صدور از آفات	۰.۹۳		مودت متقابل	۰.۸۵
	نصیحت	۰.۸۵		اظهار محبت زبانی	۱
	رابطه جنسی در ازدواج شرعی	۰.۹۳		مواسات در هنگام فراخ و سختی	۱
	خوش رویی	۱		همراهی و همنشینی	۰.۷۹
	جا باز کردن در مجالس	۱		شراکت در مال	۰.۷۹
	صدا کردن با نام نیکو	۱		محرم اسرار بودن	۰.۷۹
	صحبت با زبان و فهم طرف مقابل	۱		محبت نسبت به فرزندان همسر	۰.۸۵
	مجادله نکردن	۱		جمع کردن امور مختلف زندگی	۰.۸۵
	شوخی نکردن	۱		رضایت‌مندی	۰.۸۵
	فخر فروشی نکردن	۱		إعانه	۰.۸۵
	خصوصیت نورزیدن	۱		اطاعت	۰.۶۳
	اسرار محرمانه را نگفتن	۱		اصلاح در رویه خود و خانواده	۰.۸۵
	بخشیدن مهریه	۰.۸۵		عفاف	۰.۸۵
	ازدواج شرعی	۰.۷۹		خوردن غذای محبوب	۰.۸۵
	حسن الخلق	۱		قربانیت و نزدیکی	۰.۹۳
	إحسان	۰.۸۵		ألفت	۰.۸۵
	هدیه دادن	۰.۸۵		به سختی نیانداختن	۰.۷۲

با توجه به یافته‌های پژوهش، مدل مفهومی «مودت» در روابط همسران در شکل ۱

ارائه شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی «مودت» در روابط همسران

یافته‌های پژوهش در مؤلفه‌های ساختاری مفهوم «رحمت» در روابط همسران واژه «رحمت» ۱۰۷ مرتبه، و سایر مشتقاتش بیش از ۲۵۰ مرتبه به عنوان فعل یا وصف الهی یا مخلوقات در قرآن کریم بیان شده است. همچنین استعمال این واژه و مشتقات آن در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به مقداری است که چند جلد کتاب را در بر می‌گیرد. از مجموع

ادله تنها آیه ۲۱ سوره روم و دو روایت<sup>۱</sup> این واژه را در روابط زوجین مطرح کردند که البته در این ادله به مؤلفه‌های ساختاری این مفهوم اشاره‌ای نشده، اما از بررسی سایر ادله استفاده می‌شود که «موجود محتاج و نیازمند» در قالب تعبیری چون «ضعیف»، «ذو حاجه»، «أحوَج» و غیره، موضوع این مفهوم است (برقی، ۱۳۷۱ق؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳). همچنین «آگاهی از نیاز و احتیاج» در موضوع رحمت از مؤلفه‌های شناختی این مفهوم می‌باشد، چنان‌چه امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «به پایین‌تر از خودت رحم کن تا رحمت خداوند را جلب کنی، و در این کار احتیاج او را به رحمت خودت با احتیاج تو به رحمت پروردگارت فهم و مقایسه کن» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۴۳). «رفت»، «لین و نرمی» و «شفقت» نیز از واژگان هستند که به عنوان بعد قلبی و عاطفی مودت در متون دینی به آن‌ها اشاره شده است، چنان‌که خداوند متعال «رحمت» را ویژگی قلبی برخی پیروان حضرت عیسی (علیه‌السلام) بیان کرده (حدید: ۲۷)<sup>۲</sup>، و در توصیف پیامبر اسلام او را «رحمت بر جهانیان» (انبیاء: ۱۰۷) معرفی، و ویژگی «نرم‌دلی» پیامبر را از «رحمت» (آل عمران: ۱۰۹) بر می‌شمارد<sup>۳</sup>، و در آیه ۲۹ سوره فتح<sup>۴</sup> در توصیف یاران پیامبر اسلام تعبیر «رحمت» را مقابل «شدت» قرار داده (فتح: ۲۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰)، و در آیه ۲۴ سوره اسراء<sup>۵</sup> فرزندان را به «رحمت» در مقابل والدین با «انعطاف و نرم‌دلی» توصیه کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز «رحمت» در بندگان را به «شفقت» توضیح دادند<sup>۶</sup> (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵).

از بررسی مجموع ادله‌ای که رحمت و مشتقات آن به کار رفته است به دست می‌آید که متون دینی همان معنای لغوی را توضیح می‌دهند و به شرح قلمرو، عوامل مؤثر،

۱. امام سجاد (علیه‌السلام): أَمَا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَ أُنْسًا ... فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا؛ أَنْ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَقَدْ عَجِبْتُ مِنْ أَمْرٍ وَ إِنَّهُ لِعَجَبٌ، إِنَّ الرَّجُلَ لِيَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ وَ مَا رَأَاهَا وَ مَا رَأَتْهُ قَطُّ حَتَّى إِذَا ابْتَنَى بِهَا اصْطَحَبَا وَ مَا شَىءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِمَا مِنَ الْآخِرِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً.

۲. وَ قَفَّيْنَا بَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً.

۳. فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ.

۴. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ.

۵. وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ.

۶. وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَرْحَمُ بِعَبْدِهِ مِنَ الْوَالِدَةِ الْمُسْفِقَةِ بَوْلِدِهَا.

آثار و احکام این مفهوم می‌پردازند، از این رو نمی‌توان مؤلفه‌های ساختاری «رحمت» را از منظر متون دینی، مستقل از معنای لغوی آن دانست، پس بررسی دقیق و تخصصی لغت‌شناسی می‌تواند ما را به مراد خداوند متعال از حقیقت این مفهوم در روابط همسران آگاه نماید.

در بررسی عبارات لغویون، فراهیدی (۱۴۰۹) «رحمت» را به «بر» و «تعطف» تعریف کرده و موضوع آن را موجود محتاج و ضعیف می‌داند.<sup>۱</sup> ابوهلال عسکری (۱۴۰۰ق) «رحمت» را «إنعام به شخص محتاج» تعریف می‌کند و قلمرو آن را «موجود محتاج و نیازمند» می‌داند.<sup>۲</sup> ابن فارس (۱۴۰۴) معنای این واژه را «رقة» و «عطف» دانسته<sup>۳</sup>، و طریحی (۱۳۷۵) و ابن سیده (۱۴۲۱) این واژه را به دو معنای «رقة» و «احسان» تعریف می‌کنند. راغب اصفهانی (۱۴۱۲) معتقد است که «رحمت» یک معنای جامعی دارد که از دو معنای «رقت» و «احسان» ترکیب شده است.<sup>۴</sup> آزه‌ری (۱۴۲۱) این واژه را به «عطف»، و جوهری (۱۳۷۶) و ابن منظور (۱۴۱۴) به «رقت» و «تعطف»، و فیومی (۱۴۱۴) به «رقت» و «حنان» تعریف می‌کنند.<sup>۵</sup> البته به اعتقاد فیومی (۱۴۱۴) «حنان» معادل با «عطف» است.<sup>۶</sup> ابن اثیر (۱۳۶۷) معتقد است که در «رحمت» خیر و مصلحت شخص محتاج لحاظ می‌شود، هر چند همراه با کراهت و ناخوشایندی باشد.<sup>۷</sup>

پژوهش حاضر بر اساس وجه اشتراک اقوال لغویون و دیدگاه راغب اصفهانی به بررسی مؤلفه‌های واژه «رحمت» پرداخته و برای دستیابی به جمع‌بندی صحیح در

۱. ما أقرب رُحْمَ فلان إذا كان ذا مَرَحْمَةٍ و برّ، و قوله جل و عزّ و أقرب رُحْمًا، أي أبر بالوالدين....

تواصوا بالمَرَحْمَةِ أي أوصى بعضهم بعضاً بِرَحْمَةِ الضعيف و التعطف عليه.

۲. أن الرحمة الانعام على المحتاج إليه و ليس كذلك النعمة لأنك إذا أنعمت بمال تعطيه إياه فقد أنعمت عليه و لا تقول انك رحمته.

۳. أصل واحد يدل على الرقة و العطف و الرأفة. يقال من ذلك رَحِمَهُ يَرَحِمُهُ، إذا رَقَّ له و تَعَطَّفَ عليه، و الرَّحِمُ: علاقة القرابة، ثم سُمِّيَتْ رَحِمُ الأُنثى رَحِمًا من هذا، لأنَّ منها ما يكون ما يُرَحِمُ و يُرَقُّ له من ولد.

۴. و الرَّحْمَةُ رِقَّةٌ تقتضى الإحسان إلى المَرَحْمِوم، و قد تستعمل تارة فى الرقة المجردة، و تارة فى الإحسان المجرد عن الرقة... أن الرَّحْمَةَ منطوية على معنيين: الرقة و الإحسان.

۵. (رَحِمْتُ) زَيْدًا (رُحْمًا) بِضَمِّ الرَّاءِ و (رَحْمَةً) و (مَرَحْمَةً) إِذَا رَقَّتْ لَهُ و حَنَّتْ.

۶. حَنَّتْ؛ عَلَيَّ الشَّيْءُ (أَحْنُ) حَنَّةٌ و حَنَانًا... عَطَفْتُ و تَرَحَّمْتُ.

۷. الرحمة قد تقع فى الكراهة للمصلحة.

لغت پژوهی، معنای «رقت»، «تعطف» و «احسان» به مانند رحمت مورد بررسی قرار می‌دهد که توضیح آن به شرح زیر است.

ابن فارس (۱۴۰۴) «رَقَّة» را صفتی در مقابل جفاء (غلظت، سفت و سختی) می‌داند، و زمین نرم، استخوان ضعیف و نرم، موضعی که آب در آن فرو رفته باشد، و کاغذی که روی آن چیزی می‌نویسند را از مصادیق این مفهوم می‌شمارد. راغب اصفهانی در توضیح این واژه می‌نویسد: «هنگامی که واژه رَقَّة درباره جسمی به کار رود، نقطه مقابلش صَفَافَه (سختی و زمختی) است مثل ثوب رَقِیق و ثوب صَفِیق: جامه نرم و جامه خشن. و هرگاه درباره جان و نفس باشد نقطه مقابلش جَفَوَه و قَسَوَه است یعنی سخت دل، چنان که می‌گویند فلان رَقِیقُ القلب: یعنی او نرم‌دل است و عکسش قاسی القلب است» (۱۴۱۲: ۳۶۱). ایشان همچنین واژه «رَقَّة» را مخالف غِلْظَه (خشونت، بداخلاقی و سخت‌خویی) بیان کرده است. ابوهلال عسکری (۱۴۰۰) «رَقَّة» را به مانند «غلظت» امری قلبی می‌داند.

فراهیدی و ابن فارس معنای اصلی «احسان» را به ضدش تعریف می‌کنند و می‌نویسند: «فَالْحُسْنُ ضِدُّ الْقَبْحِ» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۴۳/۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵۷/۲). فیومی (۱۴۱۴) «أَحْسَنَتْ» را به «انجام دادن فعل حسن» معنا کرده است. ابوهلال عسکری (۱۴۰۰) «قصد و اراده»، «لحاظ نفع حقیقی و صلاح واقعی» و «در نظر نگرفتن وجود حقی در بین» را در توضیح این مفهوم بیان می‌کند. راغب اصفهانی (۱۴۱۲) «الْحُسْنُ» را هر اثر بهجت‌آفرین و دوست‌داشتنی که مورد آرزو باشد می‌داند و آن را بر سه قسم عقلی، هوای نفسانی و حسی تقسیم می‌کند. ایشان همچنین این واژه را در مقابل «سِئَه» به نعمتی تفسیر می‌کند که انسان در جان و تن و حالات انسانی خویش آن را در می‌یابد و از آن مسرور می‌شود، و «احسان» را دو گونه می‌داند: ۱. بخشش و انعام بر دیگران مثل عبارت «أَحْسِنُ إِلَى فُلَانٍ: به او نیکی کرد»، ۲. احسان در کار و عمل به این معنی که کسی علم نیکویی را بیاموزد یا عمل نیکی را انجام دهد. به نظر راغب (۱۴۱۲) به دلیل آیات «إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنُكُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» (الإسراء: ۷)، و آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (نحل: ۹) مفهوم «احسان» وسیع‌تر از «انعام» و بالاتر از «عدل» است، زیرا عدل یعنی انصاف دادن، به این معنی که به چیزی یا حقی که کم است افزوده می‌شود و اگر زیاد هست گرفته می‌شود ولی احسان چیزی است که بیشتر از آنکه لازم است داده می‌شود و کمتر از آنکه بایست گرفته می‌شود، بنابراین «احسان» بخشایشی افزون‌تر و برتر از عدالت است، پس قصد و اراده عدالت واجب اما قصد

و اراده احسان مستحب است. از مجموع لغویون می‌توان «احسان» را این‌گونه تعریف کرد: «انجام‌دادن از روی میل و عامدانه‌ی (همراه با قصد) کار خوب (بدون داشتن هیچ وجه قبح و سوء در آن) و بالاتر از عدالت (بیش از آنچه شایسته و حق چیزی است) نسبت به خود یا دیگری، به خاطر وجود نفع حقیقی که در آن فعل وجود دارد، خواه حقی در میان باشد یا نباشد، که بهجت‌آفرینی و سرور و مدح عقلاء (شخص احسان‌کننده و کسی که به او احسان می‌شود و سایر مشاهده‌کنندگان) را به دنبال دارد».

فراهیدی (۱۴۰۹) و ابن فارس (۱۴۰۴) معنای اصلی ریشه‌ی واژه «تعطف» را «تمایل و گرایش، همراه با نوعی خم شدن» می‌دانند و برای این معنا شواهدی را در استعمالات عرب بیان می‌کنند. البته فراهیدی (۱۴۰۹) علاوه بر معنای مذکور ویژگی‌های رفتاری مانند صله و برّ، حُسْنِ خُلُق، روی نرم و مهربان و غیره را نیز ذکر می‌کند. به نظر راغب (۱۴۱۴) هنگامی که این واژه با علی متعدی می‌شود به معنای «توجه، شفقت و مهربانی کردن» است. ابن منظور (۱۴۱۲) نیز «تعطف علیه» را به معنای توجه و نیکی کردن، و «تعطف علی رَحِمِه» را به معنای رقت و نرمی با خویشاوندان بیان می‌کند و بر اساس توضیح وی فرقی میان واژگان «تعطف» و «عطف» در معنا وجود ندارد. علامه مصطفوی (۱۳۶۸) «عطف» و «عطوفت» را به دو قسم ظاهری و معنوی تقسیم می‌کند و عطف ظاهری را تمایل تمام بدن یا عضوی از بدن به سمت مطلوب، و عطف معنوی را توجه قلب و میل به سوی مطلوب بیان می‌کند. از مجموع عبارات لغویون به دست می‌آید که واژه «عطف» از دو جنبه درونی و بیرونی برخوردار است، جنبه درونی به معنای «تمایل و توجه نفس به چیزی همراه با شفقت و دلسوزی نسبت به آن» است و جنبه بیرونی و رفتاری به معنای «روی‌آوری و ارتباط با چیزی به همراه بر و نیکی و اخلاق نیکو» است. به نظر می‌رسد لغویونی که در توضیح واژه «رحمت» از تعابیر «عطف» یا «تعطف» استفاده کردند، مرادشان معنای مستقلی از «رقت» و «احسان» نبوده است. از این‌رو اگر شخصی به موجود محتاج و نیازمندی رقت و احسان داشت یقیناً تعطف هم دارد، چون تعطف چیزی غیر از این دو مفهوم نیست تا بگوییم اگر تعطف نباشد مفهوم رحمت در این مصداق تحقق ندارد. بنابراین در تحلیل و جمع‌بندی عبارات لغویون، واژه «تعطف» همان توضیح مؤلفه‌های «رحمت» است و مؤلفه مستقلی به شمار نمی‌رود.

از عبارات لغویون پیرامون «رحمت» و سایر واژگان مرتبط به دست می‌آید که «رحمت» یک اصل معنایی بیشتر ندارد و آن هم معنایی جامع از مؤلفه‌های «رقت» و «احسان»

نسبت به «موجود محتاج و نیازمند» است، بنابراین اگر یکی از مؤلفه‌های فوق وجود نداشته باشد، مفهوم رحمت تحقق ندارد، و این موارد از مصادیق مفاهیمی چون احسان، انعام، فضل و غیره هستند. همچنین از عبارات لغویون استفاده می‌شود که رحمت خالی از بعد شناختی نیست، چرا که فاعل رحمت می‌بایست مصلحت شخص محتاج را در نظر بگیرد. بنابراین با توجه به یافته‌های به دست آمده می‌توان رحمت را «ادراک نیاز و احتیاج، رقت (نرم‌دلی و دلسوزی)، و احسان نسبت به موجود محتاج و نیازمند» تعریف کرد، به این توضیح که انسان در مواجهه با موجود محتاج و نیازمند ابتدا احتیاج و نیاز او را مشاهده و ادراک می‌کند، سپس دلش نسبت به او نرم می‌شود و به او احسان می‌کند تا نیاز وی را برطرف نماید. از این رو مفهوم رحمت از سه مؤلفه ساختاری «ادراک و آگاهی از نیاز»، «رقت» و «احسان» نسبت به «موجود محتاج و نیازمند» تشکیل شده که روایی آن بر اساس ارزیابی کارشناسان بالاتر از ۰/۸۵ و میانگین شاخص‌های مؤلفه‌ها ۰/۹۵ است، که این مقایر بالاتر از ۰/۷۸ می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که استخراج و استنباط مؤلفه‌های ساختاری و موضوع «رحمت» بر اساس داوری متخصصان معتبر می‌باشد. نتیجه ارزیابی در جدول ۳ قابل مشاهده است.

### یافته‌های پژوهش در عوامل مؤثر و آثار مفهوم «رحمت»

از بررسی متون دینی استفاده می‌شود که کرامت (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰)،<sup>۱</sup> عقل (همان)،<sup>۲</sup> برادر دینی بودن (همان)،<sup>۳</sup> خوردن خون (مجلسی، ۱۴۰۳)،<sup>۴</sup> و ازدواج شرعی (طبرسی، ۱۳۷۲)<sup>۵</sup> از عوامل مؤثر بر «رحمت» می‌باشد، و همچنین سکونت و آرامش (روم: ۲۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳)،<sup>۶</sup>

۱. قال علی (علیه السلام): مِنْ أَلْكَرَامِ تَكُونُ الرَّحْمَةُ.

۲. قال علی (علیه السلام): مِنْ أَوْكَدِ أَسْبَابِ الْعُقْلِ رَحْمَةُ الْجُهَالِ؛ از محکم‌ترین اسباب عقل و زیرکی رحم کردن به نادان است.

۳. قال علی (علیه السلام): الْأَخُ الْمُكْتَسِبُ فِي اللَّهِ أَقْرَبُ الْقُرْبَاءِ وَأَرْحَمُ مِنَ الْأُمَّهَاتِ وَالْأَبَاءِ.

۴. قال الامام الرضا (علیه السلام): حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الدَّمَ كَتَحْرِيمِ الْمَيْتَةِ لِمَا فِيهِ مِنْ فُسَادِ الْأَبْدَانِ وَ... يُورِثُ الْقَسْوَةَ لِلْقَلْبِ وَقَلَّةَ الرَّافَةِ وَالرَّحْمَةَ حَتَّىٰ لَا يُؤْمَنَ أَنْ يَقْتُلَ وَكِدَهُ وَالِدَهُ وَصَاحِبَهُ.

۵. برداشت مفسرین از آیه ۲۱ سوره روم؛ قال الطبرسی و الشیر و الزمخشری: وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ التَّوَادَّ وَالتَّرَاحِمَ بَعْضَةَ الزَّوْجِ، بعد آن لم تکن بینکم سابقه معرفه، و لالقاء، و لاسبب یوجب التعاطف من قرابه أو رحم.

۶. قال الامام السجاد (علیه السلام): أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَ أَنْسَا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ... فَإِنْ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا.

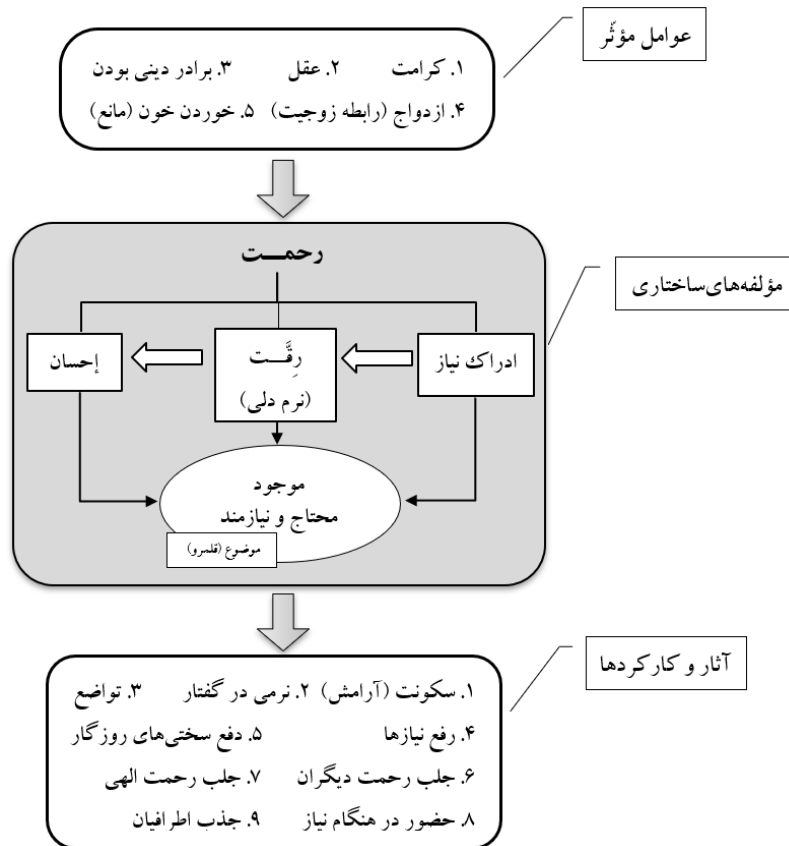
رفع نیازها و دفع سختی‌های روزگار (مجلسی، ۱۴۰۳)،<sup>۱</sup> تواضع (اسراء: ۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰؛ درویش، ۱۴۱۵)،<sup>۲</sup> جلب رحمت دیگران (نوری، ۱۴۰۸)،<sup>۳</sup> جلب رحمت الهی (همان)،<sup>۴</sup> حضور در هنگام نیاز (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰)،<sup>۵</sup> نرمی در گفتار و جذب اطرافیان (آل عمران: ۱۵۹)<sup>۶</sup> از آثار، کارکردها و نشانگان این مفهوم می‌باشند. روایی یافته‌های فوق به تأیید کارشناسان رسیده و فقط سه مفهوم «عفو»، «استغفار» و «طلب مشورت» به عنوان آثار، و مفهوم «دنوّ و نزدیکی» به عنوان عامل مؤثر با توجه به مستندات ارائه‌شده از منظر کارشناسان از روایی لازم برخوردار نیستند. نتیجه ارزیابی در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. نظر متخصصان در میزان مطابقت هر یک از مفاهیم با مستندات در مفهوم «رحمت»

عنوان	مفهوم	CVI	عنوان	مفهوم	CVI
مؤلفه‌های ساختاری	إدراک نیاز	۰.۸۵	آثار و کارکردها	برطرف شدن حاجات	۰.۹۳
	رِقَّت	۱		دفع سختی‌های روزگار	۰.۹۳
	إحسان	۱		تواضع	۰.۹۳
موضوع (قلمرو)	موجود محتاج و نیازمند	۰.۹۳	جلب رحمت الهی		۱
	عوامل مؤثر		جلب رحمت دیگران		۰.۹۳
عوامل مؤثر	برادر دینی بودن	۰.۷۹	نرمی در گفتار		۰.۷۹
	خوردن خون (مانع)	۰.۷۹	سکونت		۰.۹۳
	دنوّ (نزدیک شدن)	۰.۷۲	جذب اطرافیان		۰.۷۹
	عقل	۰.۹۳	عفو		۰.۷۲
	ازدواج شرعی	۰.۷۹	استغفار		۰.۷۲
			طلب مشورت		۰.۷۲
			حضور در هنگام نیاز		۰.۷۹

۱. قال علی (علیه السلام): يَا بُنَيَّ إِذَا نَزَلَ بِكَ كَلْبُ الزَّمَانِ وَفَحِطُ الدَّهْرِ فَعَلَيْكَ بِذَوِي الْأُصُولِ الثَّابِتَةِ وَالْفُرُوعِ النَّابِتَةِ مِنْ أَهْلِ الرَّحْمَةِ وَالْإِيْتَارِ وَالشَّفَقَةِ فَإِنَّهُمْ أَقْضَى لِلْحَاجَاتِ وَأَمْضَى لِلدُّعَى الْمَلِمَاتِ.
۲. اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الدَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ؛ طباطبایی: «کلمه خفص جناح کنایه از مبالغه در تواضع و خضوع زبانی و عملی است»؛ درویش: «من الرحمة متعلق بأخفص فمن للتعليل أي من أجل الرحمة أو الابتداء أي أن هذا الخفض ناشئ من الرحمة المركوزة في الطبع».
۳. قال علی (علیه السلام): ارْحَمْ تُرْحَمَ.
۴. قال النبی (صلی الله علیه و آله): قَالَ تَعَالَى إِنَّ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ رَحْمَتِي فَارْحَمُوا.
۵. قال علی (علیه السلام): مَنْ لَمْ تَسْكُنِ الرَّحْمَةَ قَلْبُهُ قَلَّ لِقَاؤُهَا لَهُ عِنْدَ حَاجَتِهِ.
۶. فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ.

با توجه به یافته‌های پژوهش، مدل مفهومی «رحمت» در روابط همسران در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲ مدل مفهومی «رحمت» در روابط همسران

### بحث و نتیجه‌گیری

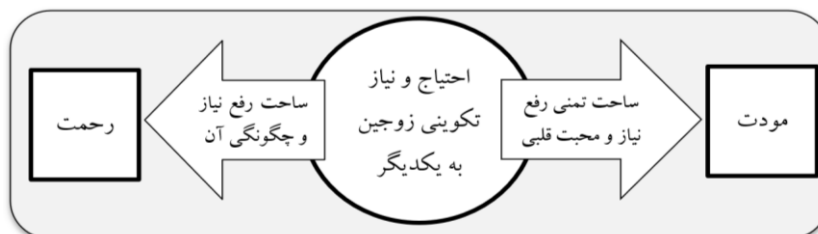
یافته‌های پژوهش در مفهوم «مودت» نشان می‌دهد که این مفهوم از دو مؤلفه ساختاری «محبت قلبی» و «تمنی» تشکیل شده که در قلمرو «اموری که طبیعتاً برای انسان خوشایند است» تحقق می‌یابد. «محبت قلبی» بعد تجربه درونی مودت است و به معنای علاقه، تمایلی و دوست‌داشتنی است که در قلب احساس می‌شود، و لزوم (چسبیدن) و ثبات (پایداری) دارد یعنی دلبستگی (دل گیر کردن) است، و از قبیل شهوت یعنی میل شدید غریزه لذت‌جویی نیست. همچنین «تمنی» مفهومی مرکب از دو مؤلفه «تشیهی» به معنای خواستن و «تقدیر» به معنای تصور امر

مطلوب است که مجموعاً معادل معنای «انتظار بودن مطلوبی را داشتن» یا «خواستار امر خوبی بودن» است. مثلاً مفهوم «تمنی» در مسئله ازدواج و روابط همسران به این معناست که هر کدام از زوجین دیگری را مطلوب بدانند و آن را بخواهند، و همسر خود را همان گونه ببینند که انتظار بودن آن را داشته و خواستار آن بودند، به عبارت عامیانه هر کدام از زوجین بگویند: «این زوج همانی است که من می‌خواستم و انتظار آن را داشتم». بنابراین اگر زوجین خوبی و مطلوبیتی را در ارتباط با یکدیگر تصور نکنند و آن را نخواهند و خواستار دیگری نباشند، مفهوم مودت در ارتباط میان آن‌ها منتفی شده است.

یافته‌های پژوهش در مفهوم رحمت به ما نشان می‌دهد که این مفهوم از سه مؤلفه ساختاری «ادراک نیاز»، «رقت» و «احسان» تشکیل شده است که در قلمرو «موجود نیازمند» تحقق می‌یابد. «ادراک نیاز» بعد شناختی این مفهوم می‌باشد و شرط تحقق سایر مؤلفه‌های رحمت است. مؤلفه «رقت» در مفهوم رحمت به معنای نرم دلی، توجه و تمایل همراه با شفقت نسبت به چیزی است که ما از آن به دلسوزی تعبیر می‌کنیم (در مقابل سنگدلی، خشنی و زمختی)، باید توجه داشت که رفع نیاز زوجین با فعل احسان زمانی عنوان رحمت پیدا می‌کند که همراه با رقت باشد. پس اگر زوجین نیازهای یکدیگر را رفع کردند اما نه از روی رقت و دلسوزی، بلکه از سر اکراه یا اجبار یا به خاطر حفظ آبرو یا منافع خودشان، یا برای این که دیگری به او خدمت کند، یا به خاطر منت گذاشتن بر دیگری و غیره، چنین فعلی رحمت به شمار نمی‌رود، بلکه مصداق عناوینی مانند احسان، مقابله به مثل، دفاع و غیره است. مؤلفه «احسان» بعد رفتاری مفهوم رحمت را تشکیل می‌دهد و به معنای انجام دادن عامدانه‌ی کار خوبی است که هیچ وجه قبح و سوء ندارد، بالاتر از عدالت است یعنی بیش از آن چه شایسته و حق چیزی است انجام شود و به تعبیری خوب انجام دادن کار خوب است، نفع واقعی و خیر و صلاح موجود نیازمند در آن لحاظ شده، و بهجت آفرینی برای فاعل آن، و مدح و ستایش عقلاء را به دنبال داشته باشد. بنابراین زوجین می‌بایست رفع نیاز یکدیگر را به گونه‌ای انجام دهند که عنوان احسان بر آن صدق کند، از این رو اگر شخصی نیاز همسرش را برطرف نکرد بلکه نیاز خودش را برطرف کرد، مثلاً مواد غذایی را به عنوان نفقه به خانه آورد اما تمایل همسرش را نادیده گرفت، و یا پول کرایه و خرجی همسرش را به شکل تحقیرآمیز و یا در زمان نامناسب و یا با منت به او داد، در این صورت رحمت محقق نمی‌شود. و یا مثلاً همسر می‌خواهد به مهمانی برود اما فعل معصیت در آن مهمانی رخ می‌دهد، در اینجا همراهی کردن او جهت رفع نیازهای روانی - اجتماعی

همسرش رحمت به شمار نمی‌رود، چرا که نفع و صلاح واقعی او در نظر گرفته نشده است. از بررسی «مودت» و «رحمت» به دست می‌آید که این دو مفهوم از مراتب مختلفی برخوردارند و دارای شدت و ضعف هستند، به این توضیح که در مفهوم «مودت» هر مقداری که تصاویر خوشایند نسبت به آن شیء بیشتر باشد، تمایل و تشهی نسبت به آن افزایش می‌یابد و محبت قلبی بیشتر می‌شود. همچنین اگر انتظارات خوشایند محقق نشود، تصاویر خوشایند کمتر شده و رغبت کاهش پیدا می‌کند، در نتیجه دل‌بستگی و محبت قلبی کم شده و مفهوم مودت تضعیف می‌شود. در مفهوم «رحمت» نیز تقویت «ادراک» و آگاهی از نیاز، موجب تقویت «رقت» و افزایش «احسان» می‌شود و بالعکس «عدم ادراک» موجب تضعیف «رقت» و «احسان» و در نتیجه کاهش «رحمت» در روابط زوجین شود.

در بررسی جایگاه مفاهیم مودت و رحمت و ارتباط آن‌ها با یکدیگر باید توجه داشت که این دو مفهوم در روابط زوجین به عنوان آیه و نشانه الهی بعد از خلقت زوجین از نفس واحده و نیاز و احتیاج به یکدیگر و مکمل بودن هر کدام نسبت به دیگری مورد تأکید قرار گرفته است، بنابراین می‌توان گفت که لازمه جداناپذیر چنین خلقتی این است که زوجین نسبت به یکدیگر مودت و رحمت داشته باشند، یعنی هر کدام از زوجین انتظار دارند که کمبودها و نیازهای خودشان را با وجود دیگری برآورده کنند و به تعبیری انتظار دارند که وجود خودشان را با دیگری پر نمایند (تمنی)، پس نسبت به دیگری محبت قلبی و دل‌بستگی دارند (محبت)، و از طرفی می‌بایست کمبودها و نیازهای طرف مقابلشان را مشاهده و شناسایی کنند (ادراک نیاز) و نسبت به او نرم شده (رقت) و با (احسان) نیازهای همدیگر را بر طرف نمایند و به تعبیری وجود همدیگر را به بهترین شکل پر نمایند. از این توضیح روشن می‌شود که این دو مفهوم در بحث روابط زوجین تکمیل‌کننده یکدیگر هستند و سبب می‌شوند که خلقت زوجین از نفس انسانی موجب سکونت و آرامش شده و رضایت زناشویی را به دنبال داشته باشد. این رابطه در قالب شکل شماره ۳ ارائه شده است.



شکل ۳ چگونگی پیوستگی و تکمیل‌کنندگی دو مفهوم مودت و رحمت در روابط زوجین

از بررسی یافته‌ها به دست می‌آید که می‌توان ارتباط بین این دو مفهوم را با قطع نظر از بستر روابط زوجین به شکل دیگری نیز تصویر کرد؛ به این توضیح که برخی مؤلفه‌های این دو مفهوم از آثار و کارکردهای دیگری به شمار می‌روند و بالتبع هر کدام عامل مؤثر بر دیگری است. مؤلفه «احسان» که بعد رفتاری مفهوم «رحمت» از مصادیق بارز مفهوم «ایصال نفع و خیر» است که بر اساس یافته‌ها از آثار و کارکردهای مفهوم «مودت» می‌باشد، بنابراین افزایش «مودت» نسبت به یک شخص، «رحمت» نسبت به او را در فاعل مودت تقویت می‌کند. همچنین «محبت قلبی» که مؤلفه عاطفی مفهوم «مودت» از آثار و کارکردهای «احسان» به شمار می‌رود، و افزایش «احسان» موجب تقویت «مودت» است.

در منابع اسلامی، مفاهیم دیگری غیر از «مودت» و «رحمت» وجود دارد که چگونگی روابط زوجین را به ما شرح می‌دهد مانند «انفاق (نفقه، إطعام، إكساء)»، «اکرام»، «وفق (موافقه)»، «محبت»، «احسان»، «ایتاء مهر»، «مدارا»، «رعایت»، «الفت»، «شفقت»، «رفق»، «إعانه (خدمه العیال)»، «اطاعت»، «امانت‌داری»، «صبر»، «شکر»، «عفت و حیا»، «ارتباط جنسی»، «تهیئه (آراستگی، تزئین، تبرج)»، «النظر (نگاه محبت‌آمیز)»، «جلوس (با هم بودن)»، «ملازمت بیت»، «حسن التعلُّل»، «حسن الخلق»، «معاشرت جمیله»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «انس»، «سکون»، «رضایت»، «سرور» (پسندیده، ۱۳۹۱). از بررسی مفهوم‌شناسی «مودت» و «رحمت» روشن شد که فقط «محبت»، «احسان» و «شفقت» از مؤلفه‌های ساختاری هستند و باقی مفاهیم یا از مصادیق «مودت» و «رحمت» هستند، و یا از عوامل مؤثر و یا از آثار و کارکردهای این دو مفهوم به شمار می‌روند و یا بی‌ارتباط با این دو مفهوم می‌باشند. همچنین از مقایسه مفاهیم موجود در دانش روان‌شناسی با مفاهیم «مودت» و «رحمت» به دست می‌آید که هیچ مفهومی در دانش روان‌شناسی به عنوان معادل این دو مفهوم وجود ندارد که بتواند مؤلفه‌های این دو مفهوم را به شکل کامل توضیح دهد، چرا که این دو مفهوم اصطلاحاتی هستند که در منابع اسلامی توضیح پیدا می‌کنند و در حیطه جعل آن‌ها نبوده است. اما با توجه به روش مقایسه مفهوم به مفهوم می‌توان «محبت و علاقه قلبی» که از مؤلفه‌های نظریات مرتبط با «عشق» است و هاتفیلد<sup>۱</sup> آن را از مؤلفه‌های «عشق همراه و دلسوزانه» می‌داند، به مؤلفه تجربه درونی مفهوم «مودت»، و مفهوم «انتظارات زناشویی» نیز به مؤلفه «تمنی» مرتبط دانست. همچنین مفهوم «مهربانی کردن» به مؤلفه «احسان» و مفهوم «دلسوزی» به مؤلفه «رقت و نرم‌دلی» در

«رحمت» ارتباط دارند. از مقایسه سایر مفاهیم حوزه روابط زوجین در دانش روان‌شناسی با «مودت» و «رحمت» به دست می‌آید که این مفاهیم، یا مرتبط با عوامل مؤثر هستند و یا با آثار و کارکردهای این دو مفهوم به نحوی ارتباط دارند.

### منابع

- ابن بابویه، م. (۱۳۷۶)، *الأمالی (للسدوق)*، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، م. (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن ابی زینب، م. (۱۳۹۷)، *الغیبه للنعمانی*، تهران: نشر صدوق.
- ابن اثیر، م. (۱۳۶۷)، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، قم: اسماعیلیان.
- ابن سیده، ع. (۱۴۲۱)، *المحکم و المحيط الاعظم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرانی، ح. (۱۳۸۱)، *تحف العقول*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ابن فارس، ا. (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، م. (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر- دار صادر.
- ازهری، م. (۱۴۲۱)، *تهذیب اللغه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- برقی، ا. (۱۳۷۱)، *المحاسن*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- پسندیده، ع. (۱۳۹۱)، *رضایت زناشویی*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- تیمی آمدی، ع. (۱۴۱۰)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دار الکتب الإسلامیه.
- ثعلبی، ا. (۱۴۲۲)، *الکشف و البیان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثناگوی زاده، م. (۱۳۹۸)، *الگوهای ارتباطی زوجین مفاهیم و شاخص‌ها*، اصفهان: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ثناگوی زاده، م. (۱۴۰۰)، «الگوی خودمراقبتی منظم در صمیمیت زناشویی برخاسته از دیدگاه اسلامی»، دو فصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی، ۱، ۱۶۶-۱۹۴.
- جوهری، ا. (۱۳۷۶)، *الصحاح*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- خجسته‌مهر، ر.، عباس‌پور، ذ.، دانیالی، ز. (۱۳۹۶)، *نظریه‌ها و آزمون‌ها در روان‌شناسی خانواده و ازدواج*، تهران: رشد.
- درویش، م. (۱۴۱۵)، *اعراب القرآن الکریم و بیانہ*، حمص: الارشاد.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، قم: دارالقلم.
- رکعی، م.، نصرتی، ش. (۱۳۹۶)، *میلان‌های معنایی در کاربست قرآنی*، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
- سرمه، ز.، بازرگان، ع.، حجازی، ا. (۱۳۸۰)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگاه.
- صادقی سرشت، ع. (۱۳۹۸)، *تدوین مداخلات روان‌شناختی مراحل و شیوه تدوین*، قم: مؤسسه دارالحدیث.
- صفوی، ک. (۱۳۸۴)، *فرهنگ توصیفی معنا شناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- طباطبایی، م. ح. (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، ح. (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، م. (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.

- طریحی، ف. (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- طوسی، م. (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عسکری، ح. (۱۴۰۰)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
- علی پور، م.، حسنی، سیدحمیدرضا (۱۳۸۹)، پارادایم اجتهادی دانش دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فنا نیشابوری، م. (۱۳۷۵)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم: انتشارات رضی.
- فخر رازی، م. (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خ. (۱۴۰۹)، العین، قم: هجرت.
- فیومی، ا. (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دارالهجرة.
- قرطبی، م. (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- کلینی، م. (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، م. (۱۳۷۶)، میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
- مصطفوی، ح. (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ن. و دیگران (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوری، ح. (۱۴۱۵)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت.
- Goldenberg, I. Goldenberg, H. (2012), Family Therapy: An overview (8thed.) Belmont, CA: Brooks/Cole.
- Lopez, J. (2009), *The Encyclopedia of Positive Psychology*. Blackwell Publishing Ltd.
- Peterson, Ch. Selgman, M. E. P. (2004), *Character Strengths and Virtues: A Handbook and Classification*. oxford university press.
- Polit, D.F. Beck, C.T. (2006), the content validity index. *Research in Nursing & Health*, vol.29. 489-497.
- Ullmann, S. (1972), "Semantics" [in:] T.A. Sebok (ed.). *Current Trends in Linguistics*. Hague: Mouton & Co. N.V.